

- با مردم

شعار تفلن از تابلای بی‌خودان گران۰۲۱۳۳۰۲۳۳۳۷

با تعطیلی کافه‌ها بیکار شده‌ایم

تعدادی از کافه‌ها به‌دلیل بازار بی‌بروق و تعدادی نیز به‌دلیل تخلف بسته شده‌اند. در این تعطیلی‌ها حدود ۱۳۰ کارگر هشتیم که ۱۳۰ خانواده چشم‌پاشان به‌دست ماست و همه ما بیکار شده‌ایم درحالی‌که تنها درآمدمان همان بوده است و حتی بیمه‌ای نداریم که در روزگار بیکاری از ما حمایت کند. اکنون نه قادر به پرداخت اجاره خانه‌ایم و نه می‌توانیم اقساط مان را بدهیم.

سایت درودگران در خاوران در حالت نیمه‌تعطیل است مدت‌هاست گرانی چوب و اقلام نجاری باعث تعطیلی کارگاه نجاری من و برادرانم شده است. الواری که قبلا باید ۴۳۰ هزار تومان می‌خریدیم اکنون ۸۰۰ هزار تومان شده تازه اگر چوب‌فروش بخواهد بفروشد زیر بی‌ثباتی قیمت باعث شده بسیاری از کاسیان سایت چوب‌فروشان با اینکه چوب دارند آن را نفروشند. این موضوع در کنار گرانی‌های عجیب و غریب از میخ و چسب و رنگ و کارگر و دستمزد گرفته تا حمل‌ونقل و روکش ... باعث شده کارگاه‌ها یکی یکی تعطیل شوند یا به اکثون نیمه‌تعطیل درآیند. روزگاری در این سایت راه نبود و اکنون همه نجاران و درودگران مستاصل و نگران مانده‌اند.

خیابان عطای ارومیه را دریابید

متأسفانه خیابان عطایی واقع در شهر ارومیه محل پارک تعداد زیادی اتوبوس و همچنین تجمع تعداد زیادی از دستفروشان شده است که اکثرها هم لباس‌های دست‌دوم خرید و فروش می‌کنند. این موارد از آراش و بهداشت این خیابان را مختل کرده و تهدید می‌کند. از مسئولان شهرداری درخواست داریم تا هر چه زودتر به این وضعیت رسیدگی کنند.

					
پیامک ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۳۳۰۲۳۹۱۶					

تبلیغات‌های سطح شهر نیاز مند نظارت کار شناسی است شرکت برق منطقه‌ای تهران بیلبورد بزرگی نصب کرده و روی آن نوشته که هر یک کولر گازی، دلبرابر یک کولر آبی برق مصرف می‌کند. ۱۰۰ لیتر آب و فاضلاب بیلبورد زده که استفاده از کولر گازی به جای کولر آبی صرفه‌جویی آبی‌رادر بی دراد!این چگونه تبلیغی است؟

					
مردم چارک به چادر مسافرتی نیاز دارند					
از ۲ هفته قبل زلزله‌های متعدد زندگی مردم چارک را مختل کرده‌است و باعث شده از ترس وقوع زلزله بگه و بیگانه به‌خصوص شب‌ها در خانه‌هایشان نمانند. اغلب مردم چادر مسافرتی نیاز دارند که تاکنون سازمان‌ها و نهادهای مربوط توجهی به‌خواست مردم نکرده‌اند.					
امانی از بندر چارک					
مخبرات در مورد عنوان «سایر خدمات» در قبض‌ها توضیح دهد ماهانه از قلمی در قبض تفلن ثبت می‌شود که هیچ توضیحی ندارد و تماس با شرکت مخبرات هم باعث روشن شدن موضوع نمی‌شود.اخیرا چون پرداخت‌ها آنلاین شده و قبضی کاغذی صادر نمی‌شود مردم کمتر متوجه این عناوین عجیب و غریب می‌شوند، به تا زگی تصمیم گرفتیم هرامه قبض خود را قبل از پرداخت رویت کنیم. یکی از عناوین سؤال‌برانگیز که قبلا حدود هزار تومان بود و اخیرا به هزار تومان رسیده‌بابت «سایر خدمات» است. عنوان دیگر «هزینه مشاغل» است. لطفا مسئولان مخبرات شرح دهند این هزینه که هر ماه از ما دریافت می‌کنند و اساسا نمی‌انیم چه هستند و مربوط به کدام هزینه‌های ما می‌شود. به‌عنوان مثال چرا باید هزینه مشاغل را پرداخت کنیم؟					
ولی‌زاده از تهران					

@					
نگرام با مردم @bamarandom_hamshahri					

گرفتاری‌های سوزاندن کارت سوخت در زاهدان اینکه مسئولان تصمیم گرفته‌اند به‌دلیل آمار بالای قاچاق سوخت به سوزاندن برخی کارت‌های سوخت روی آورند، می‌تواند قبیل باشد، به شرط آنکه باعث گرفتاری برای مردم نشود. هم‌اکنون مردم عادی که با مقوله قاچاق سوخت بیگانه‌اند کارت سوختشان باطل شده و دچار مشکل شده‌اند. امیدواریم مسئولان شرکت نفت پاسخگو باشند و مشکل افراد غیر قاچاقچی را حل کنند!

پاسخ مسئولان
اعتبار تأمین شود، راه‌آهن میانه – اردبیل به سرعت به پایان می‌رسد شرکت مادر تخصصی ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور زیر مجموعه وزارت راه و شهرسازی پیرو چاپ پیام مردمی با عنوان «راه‌آهن میانه – اردبیل چه زمانی راه‌اندازی می‌شود» در ستون با مردم روز ۲۵ خردادماه پاسخ داده است: راه‌آهن میانه – اردبیل یکی از مسیرهای ریلی مهم کشور است که با هدف اتصال استان اردبیل به شبکه ریلی، کاهش مصرف سوخت، حمل مواد اولیه مورد نیاز کارخانه فولاد اردبیل از بنادر جنوبی و بستری برای توسعه نقاط محرم اردبیل در حال احداث است و با توجه به قرار گرفتن این پروژه در منطقه کوهستانی و توپوگرافی محل پروژه یکی از سخت‌ترین و در عین حال ترین پروژه‌های ریلی کشور محسوب می‌شود. این مسیر ریلی ۱۷۵ کیلومتر است و در بخش زیرسازی بالای ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. عملیات اجرایی روسازی این پروژه نیز در سال ۱۳۹۹ آغاز شده و تاکنون ۱۰۸ کیلومتر از مسیر ریل گذاری شده است. عملیات اجرایی حفر تونل و احداث پل در مسیرهای کوهستانی علاوه بر هزینه‌بر بودن، نیاز به عملیات پیچیده مهندسی دارد که هم‌اکنون عملیات اجرایی احداث ۴۲ دستگاه تونل به طول ۲۴ کیلومتر و احداث ۷۸ دستگاه پل‌های بزرگ در مسیر به طول بیش از ۴ کیلومتر نیز با پیشرفت فیزیکی ۹۵ درصد در حال انجام است. بدیهی است عملیات اجرا در منطقه کوهستانی و سردسیر همواره از صعوبت و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که نیازمند صرف زمان مناسب و همچنین تأمین منابع مالی کافی است. قابل ذکر است برای اتمام این طرح ریلی حدود ۲۰ هزار میلیارد ریال اعتبار نیاز است که تخصیص به‌موقع آن می‌تواند اتمام عملیات اجرایی را سرعت بخشد.

حوادث

پسر نوجوان وقتی جان جوانی را در ساحل کیش در نقش مأمور امداد ظاهر شد

پسر ۱۲ساله فرشته نجات شد

«مرد جوان در دریا مصدوم شده بود و آتش نشانان وسیله‌ای برای انتقال و نجاتش نداشتند. وقتی من این صحنه را دیدم با استفاده از پنل بُردم سراغ او رفتم و شاکر مصدوم را به ساحل منتقل کردم.» این حرف‌های پسر ۱۲ساله‌ای است که چند روز قبل با شجاعت باعث نجات و انتقال یک حادثه‌دیده در ساحل کیش شد. اما او چطور متوجه این حادثه شد و چگونه توانست جان یک نفر را نجات دهد؟

به گزارش همشهری، این پسر ۱۲ساله که کیان علی‌محمدی نام دارد و از ۵سال قبل همراه خانواده‌اش در جزیره کیش زندگی می‌کند؛ از حدود یکسال قبل به ورزش‌های آبی علاقه‌مند شد و با تشویق پدر و مادرش دوره‌های مختلفی را گذراند. او روز شنبه این هفته وقتی سوار بر دوچرخه‌اش شده بود تا به کلاشش برود متوجه چند خودروی آتش‌نشانی، اورژانس و پلیس شد که در ساحل توقف کرده بودند. ظاهرا اتفاقی افتاده بود و آنها قصد کمک به یک حادثه‌دیده را داشتند. کیان هم کنجکاو شد و جلوفت را دربارہ حادثه‌ای که رخ داده پرس و جو کند. او فهمید که ۴جوان باهم مسابقه شنا گذاشته بودند اما یکی از آنها دچار حادثه شده‌است. انطور که او متوجه شد آنها تلنجی که در فاصله حدود ۵۰۰متری ساحل قرار داشت مسابقه گذاشته بودند و قرار بود از روی لنج دوباره به دریا پریده و تا ساحل شنا کنند. آنفر از آنها نواسته بودند خودشان را به ساحل برسانند؛ اما سومی‌ن نفر مصدوم شده و در همانجا گرفتار شده بود. دوستان جوان حادثه‌دیده که خودشان نمی‌توانستند او را به ساحل منتقل کنند؛ از گروه‌های امدادی درخواست کمک کرده بودند. پسر نوجوان وقتی از ماجرا با خبر شد کنجکاو‌اش بیشتر شد. با

ع‌محکوم به مرگ، سحرگاه دیروز در زندان رجایی‌شهر پای‌چوبه‌دار قرار گرفتند

طناب دار، تاوان قتل و تجاوز

۶مرد محکوم به مرگ سحرگاه دیروز در زندان رجایی‌شهر پای‌چوبه‌دار رفتند که آنفر از آنها به دار مجازات آویخته شدند اما ۳مرد دیگر با سرنوشتی متفاوت روبه‌رو شده و به زندان برگشتند. به گزارش همشهری، یکی از افرادی که دیروز به دار مجازات آویخته شد مرد معتادی بود که پسران دانش آموز را فریب داده و سوار بر موتورش می‌کرد تا نقشه شُوم خود را عملی کند. راز شوم این مرد اواخر دی‌ماه سال ۹۶با اظهارات چند پسرچه در پلیس پایتخت فاش شد. یکی از آنها که پسر۱۰ساله بود و همراه پدرش راهی اداره پلیس شده بود به مأموران ۷ساعت ۷صبح از خانه‌مان خارج شده که به مدرسه بروم اما در بین راه مردی جوان که سوار بر موتور بود صدایم زد. او یک گلدان در دستش بود که می‌گفت عتیقه‌است و قصد دارد آن را به خانه مادر بزرگش ببرد اما به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد و نیاز به کمک دارد. او می‌گفت خانه مادر بزرگش چسبیده به مدرسه ماست و مرا تا آنجا می‌رساند. پسرچه ۱۰ساله ادامه داد: من که حرف‌های او را باور کرده بودم گلدان عتیقه را گرفتم و ترک موتورش نشستم. اما او مسیر اشتباهی رفت و وقتی اعتراض کردم تهدید کرد که اگر حرفی بزنم موتور را به کنار جدول می‌کوبد و هر دو می‌میریم. من دیگر جرات نکردم حرفی بزنم و لحظاتی بعد او مرا به کنال آبی در آن حوالی بود و با تهدید مورد آزار و اذیت قرار داد. پس از آن دوباره سوار موتورش کرد و در بین راه کنار پارکی روی شمشاد راهی پرت‌رم کرد و متواری شد. پسرچه ۱۰ساله تنها قربانی‌مر که شیطان صفت نبود و چند پسرچه دیگر هم که به همراه والدینشان برای شکایت به اداره پلیس رفته بودند اظهارات مشابهی را مطرح کردند. با سرخجایی که قربانیان از متهم داده بودند وی که جوانی ۳۰ساله بود دستگیر شد و وقتی پیش روی بازپرس جنایی تهران قرار

رفت و وقتی پیش روی بازپرس جنایی تهران قرار

رفت و وقتی پیش روی بازپرس جنایی تهران قرار

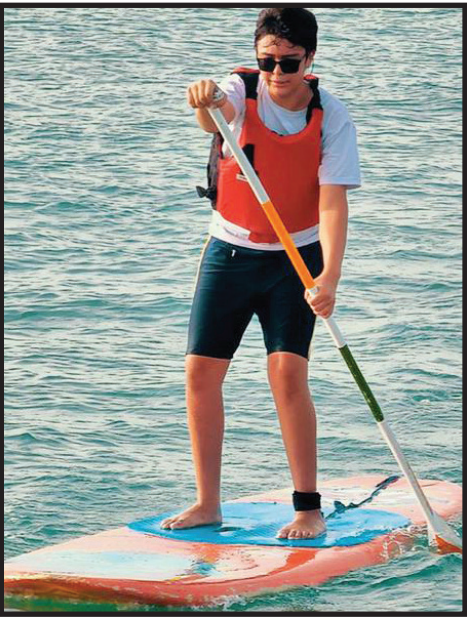
بخش ۲قاتل پس از ۲۶سال

۲محکوم به قصاص که از ۲۶سال قبل به اتهام مشارکت در قتل در زندان بودند با پادرمیانی مسئولان قضایی و بخش اولیای دم از مجازات نجات پیدا کردند. به گزارش همشهری، این جنایت سال ۷۵در شهرستان بوئین‌زهر اواقع در استان قزوین اتفاق افتاد و در جریان آن ۱۰نفر با همدستی یکدیگر مرد دیگری را به قتل رساندند. آنها اعتراف کردند به‌دلیل اختلافاتی که با مقتول داشتند دست به این جنایت زده‌اند. هر دوی آنها به قصاص محکوم شدند اما با وجود قطعی شدن این رأی در دیوان عالی کشور، اولیای دم برای اجرای حکم دچار اختلاف شدند. تعدادی از آنها قصد اجرای حکم قصاص داشتند، برخی مطالبه دیه کرده بودند و به چند نفر دیگر هم دسترسی وجود نداشت. در این شرایط بود که ماجرا ۴۶سال به طول انجامید و در همه این مدت ۲محکوم به قصاص در بلاکلیفی در زندان به سر می‌برند. از چندنی قبل بار دیگر مسئولان قضایی بوئین‌زهر ا تلاش‌های شان را برای جلب رضایت اولیای دم آغاز کردند که در نهایت آنها از اجرای حکم صرف‌نظر کردند و به دریافت دیه رضایت دادند تا به این ترتیب ۲محکوم به قصاص پس از ۲۶سال از زندان آزاد شوند. محمد صمدی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان بوئین‌زهر با اعلام جزئیات این پرونده گفت: در این پرونده یکی از چندی قبل بار دیگر مسئولان قضایی بوئین‌زهر ا تلاش‌های شان را برای جلب رضایت اولیای دم آغاز کردند که در نهایت آنها از اجرای حکم صرف‌نظر کردند و به دریافت دیه رضایت دادند تا به این ترتیب ۲محکوم به قصاص پس از ۲۶سال از زندان آزاد شدند.

گزارش

«مرد جوان در دریا مصدوم شده بود و آتش نشانان وسیله‌ای برای انتقال و نجاتش نداشتند. وقتی من این صحنه را دیدم با استفاده از پنل بُردم سراغ او رفتم و شاکر مصدوم را به ساحل منتقل کردم.» این حرف‌های پسر ۱۲ساله‌ای است که چند روز قبل با شجاعت باعث نجات و انتقال یک حادثه‌دیده در ساحل کیش شد. اما او چطور متوجه این حادثه شد و چگونه توانست جان یک نفر را نجات دهد؟

به گزارش همشهری، این پسر ۱۲ساله که کیان علی‌محمدی نام دارد و از ۵سال قبل همراه خانواده‌اش در جزیره کیش زندگی می‌کند؛ از حدود یکسال قبل به ورزش‌های آبی علاقه‌مند شد و با تشویق پدر و مادرش دوره‌های مختلفی را گذراند. او روز شنبه این هفته وقتی سوار بر دوچرخه‌اش شده بود تا به کلاشش برود متوجه چند خودروی آتش‌نشانی، اورژانس و پلیس شد که در ساحل توقف کرده بودند. ظاهرا اتفاقی افتاده بود و آنها قصد کمک به یک حادثه‌دیده را داشتند. کیان هم کنجکاو شد و جلوفت را دربارہ حادثه‌ای که رخ داده پرس و جو کند. او فهمید که ۴جوان باهم مسابقه شنا گذاشته بودند اما یکی از آنها دچار حادثه شده‌است. انطور که او متوجه شد آنها تلنجی که در فاصله حدود ۵۰۰متری ساحل قرار داشت مسابقه گذاشته بودند و قرار بود از روی لنج دوباره به دریا پریده و تا ساحل شنا کنند. آنفر از آنها نواسته بودند خودشان را به ساحل برسانند؛ اما سومی‌ن نفر مصدوم شده و در همانجا گرفتار شده بود. دوستان جوان حادثه‌دیده که خودشان نمی‌توانستند او را به ساحل منتقل کنند؛ از گروه‌های امدادی درخواست کمک کرده بودند. پسر نوجوان وقتی از ماجرا با خبر شد کنجکاو‌اش بیشتر شد. با



برد گذاشتند و من هم خودم در آب پریدم و پنل برد را با شنا تا ساحل کشیدم و امدادگران او را با آمبولانس به بیمارستان منتقل کردند. کیان ۱۲ساله درباره انگیزش از این کار می‌گوید: هدف من فقط کمک کردن بود. اگر خدای نکرده باز هم اتفاقی بیفتد حتما کمک می‌کنم. در این مدت از پدر و مادرم و مربیانم یاد گرفته‌ام که باید به همه کمک کنم. یکی از مربیانم، به نام آقای شالی، در این یک‌سال نکات زیادی را به من یاد داده‌اند و از اینکه توانستم در نجات یک حادثه‌دیده نقش کوچکی داشته باشم خوشحالم. آن روز مصدوم و دوستانش از من تشکر کردند اما من این کار را فقط برای رضای خدا انجام دادم.



یکی از محکومانی که دیروز اعدام شد، جوانی بود که با فریب پسر بچه‌ها آنها را سوار موتور یا پراید سفید کرده و قربانی نقشه شوم خود می‌کرد.



مرموز اما اقدام به فرار کرد تا اینکه پشت چراغ قرمزی در محدوده تهرانپارس گرفتار شد. او برای اینکه به فرارش ادامه بدهد دنده عقب گرفت و پس از برخورد با یکی از موتورهای پلیس باعث به شهادت رسیدن گروهیان یکم ضبط شد. این مرد پس از دستگیری به قصاص محکوم شد اما اولیای دم دیروز برای اجرای حکم قصاص در زندان حاضر نشدند و بخت با مرد محکوم به قصاص بار بود که از یک قدمی مرگ به زندان بازگشت.

آتش‌سوزی مرگبار در مجتمع ۱۲۰واحدی



گروه نجات و خودروهای پشتیبانی به محل اعزام شدند. وی ادامه داد: محل آتش‌سوزی یک مجتمع مسکونی طبقه ۶بلوک ۱۲۰ واحد بود. آتش‌سوزی در حوالی بزرگراه آزادگان قرار گذاشت که وقتی متهم سوار بر کامیون گروگان به آنجا آمد دستگیر شد. در ادامه مشخص شد که راننده کامیون داخل اتاقک کامیونش بیهوش افتاده به بیمارستان انتقال یافت.

کوتاه از حادثه

سوختگی مأمور فداکار پلیس در عملیات نجات

مامور پلیس شهر در چه در اصفهان با دیدن مردی که اقدام به‌خودسوزی کرده بود، خودش را به آتش زد و توانست این مرد را از مرگ حتمی نجات دهد. به‌گزارش همشهری، این حادثه خردادماه امسال در شهر در چه از توابع خمینی‌شهر اصفهان رخ داد و باعث شد که مأمور فداکار پلیس از ناحیه دست و پا دچار سوختگی شود. ماجرا از این قرار بود که روز حادثه، فردی با پلیس ۱۱۰ شهر درچه تماس گرفت و گفت که مردی به‌دلیل اختلافاتی که با طلبکارانش دارد، در داخل کارگاهی در این شهر قصد خودسوزی دارد. به‌دنبال این تماس، تیم گشت کلاتری متشکل از یک مأمور پلیس و یک سرباز وظیفه برای بررسی موضوع راهی محل حادثه شده و با دیدن دودی که از داخل کارگاه به هوا بلند شده بود، وارد آنجا شدند. آنها مردی را دیدند که یک چهارپایتری بنزین در دست داشت و تهدید می‌کرد که قصد دارد به زندگی‌اش پایان بدهد. مأمور پلیس با دیدن این صحنه به سبست مرد رفت و تلاش کرد با گفت‌وگو و دعوت به آرامش مرد عصبانی، او را از آتش مصیمی که گرفته بود منصرف کند. مأمور وظیفه‌شناس چند دقیقه‌ای به گفت‌وگو با مرد عصبانی پرداخت اما ناگهان این مرد با عکس‌العملی سریع روی خودش بنزین ریخت و ثانیه‌ای بعد شعله‌ور شد. مامور فداکار پلیس با دیدن این صحنه به سمت مرد شعله‌ور پرید و او را روی زمین انداخت و تلاش کرد آتش را خاموش کند. همه این اتفاقات در چشم بر هم زدن رخ داد و کسانی که شاهد ماجرا بودند هنوز در شوک بودند. مأمور فداکار پلیس بی‌توجه به اینکه لباس‌های خودش هم شعله‌ور شده بود در نهایت موفق شد آتش را خاموش کند و این در حالی بود که علاوه بر مرد عصبانی، خودش هم دچار سوختگی شده بود. به‌دنبال این حادثه و گزارش ماجرا به اورژانس، هر دو مصدوم به بیمارستان منتقل شدند. از جان‌گشتگی مأمور پلیس باعث شد که مرد عصبانی از مرگ حتمی نجات پیدا کند اما این در حالی بود که دست‌ها و پاهای مأمور پلیس به‌شدت دچار سوختگی شده بود. شدت سوختگی به حدی بود که او چند روزی در بیمارستان بستری بود و حالا که از آنجا مرخص شده، باید در منزل روند درمانی خود را طی کند. ماجرای که آن روز در شهر درچه رخ داد، روز قبل و به‌دنبال تماس‌های مردمی با سامانه ۱۹۷، مسئولان پلیس اصفهان نیز در جریان این حادثه قرار گرفتند. کسانی که با ۱۹۷ تماس گرفتند، مردمی بودند که شاهد از خودگشتگی مأمور فداکار بوده و حالا با این سامانه تماس گرفته بودند تا از اقدام انساندوستانه مأمور فداکار تشکر کنند. به‌گفته رضا الوندی، رئیس بازرسی پلیس استان اصفهان، پس از این تماس‌ها، فرمانده انتظامی استان که در جریان ماجرا فردی بود از مأمور فداکار قدردانی و خاطر نشان کرد که پلیس به‌وجود چنین افرادی که جان خود را فدای امنیت مردم می‌کنند، افتخار می‌کند.

سفر ۳روزه سارق با گروگان بی‌هوش

مجرم سابقه‌دار پس از بی‌هوشی کردن راننده کامیون ۳روز تمام، او را به همراه خود به این طرف و آن طرف کشاند تا اینکه دستگیر شد. به‌گزارش همشهری، چند روز قبل زنی به اداره پلیس رفت و گفت: شوهرش را گروگان گرفته‌اند. وی توضیح داد: شوهرم راننده کامیون است و ۳روز قبل گفت که قرار است یک محموله باری را به یکی از شهرهای شمالی کشور ببرد اما پس از آن هر چه با او تماس گرفتم جوابم را نداد. نگران‌ش شده بودم تا اینکه مرد ناشناسی با موبایل همسرم به من زنگ زد و گفت شوهرم در قانمشهر تصادف کرده و در بیمارستان بستری شده‌است. او مدعی بود که همکار شوهرم است و خواست برای درمان ۳میلیون تومان به حسابش واریز کنم. اما من که نگران بودم با یکی از آشنایانم که در قانمشهر زندگی می‌کرد تماس گرفتم و از او خواستم خودش را به بیمارستان برساند. او ساعتی با من تماس گرفت و گفت شوهرم در هیچ‌کدام از بیمارستان‌های آنجا بستری نیست و آنجا نبود که احتمال دادم مرد ناشناس دروغ می‌گوید. زن جوان ادامه داد: وقتی مرد ناشناس مجدداً با من تماس گرفت و درخواست پول کرد، به او گفتم از ماجرا خبر دارم و وی این بار گفت که شوهرم را گروگان گرفته‌است. او برای آزادی شوهرم درخواست پول کرد و گفت اگر به خواسته‌اش عمل نکنم، جان شوهرم را می‌گیرد. من هم تصمیم گرفتم پلیس را در مدت قرار بدهم. با طرح این شکایت، مأموران پلیس به دستور قاضی محمد امین تقویان، بازپرس شعبه هشتم دادسرای جنایی وارد عمل شدند و از زن جوان خواستند به بهانه تحویل پول با مرد گروگانگیر قرار بگذارند. زن جوان نیز نقش بازی کرده و با گروگانگیر در حوالی بزرگراه آزادگان قرار گذاشت که وقتی متهم سوار بر کامیون گروگان به آنجا آمد دستگیر شد. در ادامه مشخص شد که راننده کامیون داخل اتاقک کامیونش بیهوش افتاده به بیمارستان انتقال یافت.

بازگشت به زندگی

متهم که چندین سابقه سرقت، آدم‌ربایی و کلاهبرداری دارد در بازجویی‌ها به ربوبن راننده کامیون و اخادی از خانواده‌اش اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل از زندان آزاد شدم و برای تأمین هزینه‌های زندگی ام تصمیم گرفتم به بهانه حمل بار، راننده‌های کامیون را بی‌هوش کرده و اموالشان را سرقت کنم. وی ادامه داد: روز حادثه به یک گازاز رفتم و مدعی شدم که قصد حمل یکبار به شهرستان آستارا دارم. یکی از رانندگان کامیون همراهم آمد و به این تصور که قرار است محموله‌ای را جا بجا کند، به این بهانه که بارم داخل سوله‌ای در نزدیکی بزرگراه آزادگان است همراهم آمد و من در بین راه یک آمبیه سموم که از قبل تعدادی قرص خواب آور داخل آن حل کرده بودم را به راننده دادم. او پس از نوشیدن آمبیه سموم، از هوش رفت و من او را به قسمت اتاقک کامیون انتقال دادم. وی ادامه داد: پس از آنکه اموالش را سرقت کرده و حسابش را خالی کردم، وسوسه‌اشدانی از خانواده‌اش به جلم افتاد اما فکرش را نمی‌کردم که همسر شاکي شکایت کند و دستم رو شود. وی ادامه داد: در مدت ۳روز گروگان همراه بود و من داخل ماشین می‌خوابیدم و مدام استرس این را داشتم که او به هوش بیاید. متهم پس از اعتراف به جرم خود، درحالی روانه زندان شد که مرد کامیون‌دار ۳روز پس از بستری شدن در بیمارستان و درمان، به هوش آمد و از خطر مرگ نجات یافت. تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.